

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۳

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۵

فتنه‌های آخرالزمان و راه نجات از آن

صدیقه توکلی^۱

چکیده

قرآن در آیات متعددی از وقوع فتنه در زندگی انسان‌ها خبر داده است. پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت طاهرین آن حضرت نیز فتنه‌هایی را برای امت اسلام پیشگویی کرده‌اند که از صدر اسلام آغاز و تا ظهور حضرت مهدی ﷺ ادامه دارد. خداوند متعال به وسیله این فتنه‌ها - که توسط عوامل دشمن در اجتماع مسلمانان و به خصوص در جامعه شیعی با انگیزه‌های شوم به وجود می‌آید - مؤمنین را در ایمان و ولایت‌مداری مورد آزمون و امتحان قرار می‌دهد. اهل بیت ﷺ راهکارهای مختلفی برای در امان ماندن از فتنه‌ها و رهایی از عواقب هلاک‌کننده آن‌ها برای امت بیان داشته‌اند که قرآن نیز بر آن‌ها صحنه می‌گذارد؛ این راهکارها تحت دو عنوان کلی تمسک به دین و بصیرت قابل دسته‌بندی است. توجه و تمسک به این عوامل تنها راه نجات از فتنه‌هاست.

واژگان کلیدی

فتنه، آخرالزمان، نجات از فتنه.

۱. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث قم (Stg.tavakoli@yahoo.com).

حمد و سپاس بی‌کران خدای را که انسان را در این سرای آمیخته با ظلمت به خویشتن و انهداد و او را به ارسال رسل و انزال کتب تکریم فرمود و به شاهراه هدایت و وصول به سرای نور و بهجت دلالت نمود و با درود و صلوات بی‌انتهای بر سید رسولان و برترین آفریدگان حضرت محمد ﷺ که تجلی رحمت خدا و پیام آور هدایت اوست. و نیز بر خاندان پاک و طاهرینش که حافظان رسالت و نگهبانان دین آن حضرتند.

فتنه از سنت‌های حتمی خداوند در زندگی بشر است. قرآن در آیات متعددی از بروز فتنه در زندگی انسان و نیز در اجتماع مسلمین خبر داده است. پیامبر مکرم اسلام ﷺ و ائمه طاهرین علیهم‌السلام از اهل بیت ایشان نیز در موقعیت‌های گوناگون امت را به وقوع فتنه‌هایی که به شبی سیاه و ظلمانی می‌مانند هشدار داده و توصیه‌های لازم را به امت نموده‌اند. این پیشگویی‌ها و هشدارها که در قالب روایات و احادیثی از آن بزرگان بر جای مانده از همان سده‌های نخستین پس از صدر اسلام مورد توجه اندیشمندان مسلمان شیعه و سنی قرار گرفت به طوری که بعضی به جمع‌آوری آن‌ها در کتب روایی پرداختند و برخی دیگر با الهام از آن‌ها به تألیف مستقل کتاب‌هایی با محوریت فتنه‌های آخرالزمان پرداختند. از آثار عالمان شیعی در این زمینه می‌توان به کتاب *الملاحم والفتن* تالیف سید ابن طاوس اشاره کرد که در بردارنده مطالب سه کتاب *فتن ابن حماد*، *فتن سلیلی* و *فتن ابی یحیی* می‌باشد و فتنه‌های امت اسلام را از زمان رحلت پیامبر ﷺ تا زمان قیام و ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام بیان کرده است. علاوه بر این کتاب‌هایی که با موضوع غیبت امام زمان علیه‌السلام تالیف شده از جمله *کمال الدین و تمام النعمه* شیخ صدوق، *کتاب الغیبه* از محمد بن ابراهیم نعمانی و *کتاب الغیبه* شیخ طوسی به بیان روایاتی در مورد فتنه‌های آخرالزمان و اوضاع جامعه مسلمین در زمان غیبت کبری پرداخته‌اند. در زمان معاصر نیز تالیفات متعددی در قالب کتاب و مقاله در رابطه با این موضوع انجام شده است. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب *یوم الخلاص* تالیف کامل سلیمان و مقاله *طوفان فتنه و کشتی بصیرت* تألیف آیت‌الله مصباح یزدی اشاره کرد. اما آنچه ضرورت این پژوهش را با این عنوان خاص ایجاد نمود شرایط بحرانی امروز جامعه اسلامی است که هجمه‌های دشمن به صورت‌های گوناگون چه از داخل و چه از خارج کشور جوانان و نوجوانان شیعی و مرد و زن کشور اسلامی را هدف گرفته و بر ربودن عقاید و باورهای دینی نسل حاضر کمر بسته است؛ هجمه‌ای که از طرف رهبر بزرگوار انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای سالیان قبل «شبیخون فرهنگی»

نام گرفت. تفاوت این مقاله با تالیفات مشابه آن پرداختن هر چه بیشتر به راهکارها و عوامل نجات از فتنه‌هاست. فتنه‌هایی که در سطح جامعه اسلامی و به صورت فراگیر بروز و ظهور می‌یابد و می‌تواند دامن‌گیر اکثر افراد جامعه شود. این عوامل که با تتبع در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام استخراج شده است به ده عنوان می‌رسد و تحت دو عنوان کلی تمسک به دین و بصیرت قابل دسته‌بندی است. انسان مؤمن در صورت توجه و تمسک به این عوامل از سقوط در ورطه فتنه‌ها و شرور حاصل از آن‌ها در امان می‌ماند. در این نوشتار اکثر قریب به اتفاق روایات از منابع معتبری که مورد وثوق و اعتماد علما و اندیشمندان شیعی است و به دست آنان تألیف شده گردآوری شده است تا از حیث صحت سند و استناد به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام خدشه‌ای نداشته باشد.

امید است که این تلاش ناچیز شمع روشنی باشد در ظلمت فتنه‌های حاصل از غفلت ما و بیداری دشمن و نقشه‌های شوم او که در عصر حاضر دین، ایمان و هویت جوانان شیعی را هدف گرفته است، و گام کوچکی باشد در مسیر درک هدایت، رضایت و دامن پر مهر منتظر منتظر، احیاکننده قرآن و سنت حضرت بقیة الله الاعظم روحی فداه.

تعریف فتنه

فتنه در فارسی به معنای ابتلا، آزمایش، اختلاف میان مردم، آشوب، عبرت، محنت، عذاب، دیوانگی، گمراهی، فضیحت و رسوایی آمده است (عبدالنبی قییم، ۱۳۸۵: ۷۷۶). و در اکثر قریب به اتفاق فرهنگ‌های لغت عربی به معنای ابتلاء و امتحان است؛ که اصل این معنا از داخل کردن طلا و یا نقره در آتش و ذوب آن به منظور جدا شدن خوب از بد گرفته شده است. *لسان العرب* در معنای فتنه آورده است:

الْفَتْنُ: الإِحْرَاقُ بِالنَّارِ. وَفَتَّنَ الشَّيْءُ فِي النَّارِ يَفْتِنُهُ: أَحْرَقَهُ. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ۱۳، ۳۲۰)

و مجمع‌البحرین این‌گونه آورده:

والفتنة في كلام العرب: الابتلاء والامتحان والاختبار، وأصله من فتنت الفضة إذا أدخلتها في النار لتتميز. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۶، ۲۹۱)

و در *مفردات* نیز آمده:

أصل الفتن: إدخال الذهب النار لتظهر جودته من رداءته، واستعمل في إدخال الإنسان النار. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۳)

قاموس قرآن نیز گفته:

فتن: امتحان؛ اصل فتن گذاشتن طلا در آتش است تا خوبی آن از ناخوبی آشکار شود.
(قرشی، ۱۳۷۱: ج ۵، ۱۴۷)

در کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* نیز نویسنده پس از اشاره به اقوالی از اندیشمندان و لغت‌شناسان در رابطه با معنای این واژه «فتنه»، اصل معنا در این کلمه را ایجاد اختلال و اضطراب می‌داند و برای آن مصادیق مختلفی از قبیل اموال، اولاد، اختلاف آراء و... ذکر می‌کند که می‌تواند موجبات اختلال و اضطراب را در فرد یا جامعه پدید آورد. از نظر این اندیشمند فتنه - ها به چیزی بیش از تزلزل و تردید دلالت ندارند که به دنبال آن برای شخص تنبیهی حاصل می‌شود که می‌تواند او را به سوی خیر و سداد و یا شر و فساد سوق دهد و این - ایجاد اختلال و اضطراب در امور فرد یا جامعه - برای حصول اطمینان از ثبات فرد بر مسیری که در سابق طی می‌کرده چه خیر و چه شر، امری ضروری محسوب می‌شود. ایشان در تفاوت بین فتنه و سه واژه اختبار، ابتلاء و امتحان می‌گوید:

اختبار از ریشه «خبر» به معنای آگاهی یافتن و ترتیب اثر دادن به آن و ابتلاء از ریشه «بلو» و به معنای تحول و دگرگونی و امتحان نیز از ریشه «محن» و به معنای کوشش و جدیت در عمل تا رسیدن به خبر و نتیجه است.

آن‌گاه در جریان امور، ترتیبی بین این واژه‌ها قائل شده می‌گوید:

فتنه ایجاد اختلال و اضطرابی است که موجب تزلزل و تردید و تنبه نسبت به برنامه سابق می‌گردد. سپس ابتلاء و تغییر و دگرگونی حاصل می‌شود و پس از آن امتحان با بدست آمدن نتیجه... بنابراین فتنه از نظر مفهومی مقدم و اعم از ابتلاء است... و اولین مرحله از اختبار و امتحان است که تا حصول نتیجه تداوم می‌یابد و به همین دلیل است که به اصل اختبار و حصول نتیجه نیز در بعضی آیات قرآن فتنه اطلاق شده است. پس فتنه نسبت به وضع سابق و نظم موجود، شر، اختلال و اضطراب است ولی نسبت به نتیجه حاصله یا خیر است و یا شر. و حاصل آن که فتنه در هر عالم، جایگاه و حالتی که باشد لازم، مفید و نتیجه بخش است تا هر آن کس که هلاک می‌شود با دلیل و برهان هلاک شود و هر که زنده می‌ماند نیز بر اساس دلیل و برهان زنده بماند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۹، ۲۴-۲۷)

با توجه به این تعریف‌ها می‌توان گفت، فتنه مفهومی است که در تحقق دارای مراتبی است. به اصل یک پدیده و واقعیت خارجی که در زندگی فرد و یا اجتماع بروز و ظهور پیدا کرده

و اضطراب و تزلزل ایجاد می‌کند اما فی نفسه خوبی و بدی آن در آغاز امر قابل قضاوت نیست؛ فتنه گفته می‌شود و از آنجا که این پدیده موجب اظهار عکس العمل‌ها و رفتارهایی از سوی فرد و یا اجتماع و به عبارت دیگر تحول و دگرگونی می‌شود به آن ابتلاء اطلاق می‌شود و از آنجا که همین پدیده به منظور به دست آوردن نتایجی واقع می‌شود به آن امتحان و اختبار نیز گفته می‌شود.

جایگاه فتنه در قرآن و سنت

قرآن در آیات عدیده‌ای بر وقوع فتنه در زندگی انسان اذعان کرده است چنان‌چه می‌فرماید:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾. (انبیاء: ۳۵)

در این آیه شریفه خداوند بندگان را به ابتلا و آزموده شدن به خیر و شر خبر می‌دهد و می‌فرماید که ما شما را به آنچه کراهت دارید از قبیل مرض و فقر و امثال آن، و به آن‌چه دوست دارید، از قبیل صحت و غنا و امثال آن، می‌آزماییم، آزمودنی. گویا فرموده، هر یک از شما را به حیاتی محدود، و مؤجل زنده می‌داریم، و در آن حیات به وسیله خیر و شر امتحان می‌کنیم، امتحان کردنی، و سپس به سوی پروردگارتان بازگشت می‌کنید، پس به له و علیهتان حکم می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ۴۰۶)

در این آیه مصدر «فتنه» کلمه «نبلوکم» را مؤکد کرده است: فِتْنَةً مصدر مؤکد لنبلوکم من غیر لفظه. (نیشابوری، ۱۴۱۶: ج ۵، ۲۰؛ نیز ر.ک: کاشانی، ۱۳۳۶: ج ۶، ۶۱؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ج ۷، ۱۹۴) که بیانگر نزدیکی و قرابت این دو واژه در معنای آزمودن است. در واقع فتنه وسیله ابتلاست و با ابتلا حقیقت انسان و ثبات و یا عدم ثبات او بر مسیر حق آشکار می‌شود.

در برخی آیات خداوند از وقوع فتنه و آزمون در زندگی بخصوص مؤمنان خبر می‌دهد:

﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾؛ (عنکبوت: ۲-۳)

آیا مردم گمان می‌کنند همین که بگویند ایمان آوردیم به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟

از امام رضا علیه السلام روایت شده که در مورد این آیه فرمودند:

یفتنون كما یفتن الذهب، ثم قال یخلصون كما یخلص الذهب؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۲)

آزمایش می‌شوند همان‌گونه که طلا در کوره آزمایش می‌شود، و خالص می‌شوند همان‌گونه که فشار آتش ناخالصی‌های طلا را از بین می‌برد و آن را خالص می‌کند.

آیه ذیل نیز بر مسئله آزمون و امتحان مؤمنان تأکید هر چه بیشتری دارد:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ﴾؛ (محمد: ۳۱)

شما را حتماً می‌آزماییم تا جهادکنندگان و صابران از شما را بدانیم و نیز اخبار شما را می‌آزماییم.

ابن عربی در تفسیر این آیه می‌گوید:

علم الله تعالى قسماً: سابق على معلوماته إجمالاً في لوح القضاء، وتفصيلاً في لوح القدر، وتابع إياها في المظاهر التفصيلية من النفوس البشرية والنفوس السماوية الجزئية، فعنى حتى نعلم: حتى يظهر علمنا التفصيلي في المظاهر الملكوتية والإنسية التي يثبت بها الجزاء، والله أعلم؛ (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۲۶۷)

علم خداوند بر دو قسم است: علم اجمالی در لوح قضاء و علم تفصیلی در لوح قدر و علمی که تابع علم تفصیلی در لوح قدر است و در مظاهر ملکوتیه و انسیه جزئیه ظاهر می‌شود. و عبارت «حتى نعلم» یعنی اینکه تا علم تفصیلی ما در مظاهر ملکوتیه و انسانیه ظاهر شود و جزاء به آن تعلق گیرد.

بنابراین منظور از دانستن خدا در این آیه یعنی ظهور علم او. چنان‌چه صاحب المیزان می‌گوید:

مراد از دانستن خدای تعالی این نیست که چیزی را که نمی‌داند بداند، بلکه منظور، بر ملا شدن باطن بندگان و به نظری دقیق‌تر علم فعلی خداست که ربطی به ذات او ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳۶۶، ۱۸)

بر این اساس باید گفت عافیت طلبانی که گمان می‌کنند همین اندازه که اظهار ایمان کنند در صف مؤمنان قرار می‌گیرند و در اعلیٰ علیین بهشت همنشین پیامبران و صدیقین و شهداء خواهند بود سخت در اشتباهند. این کلام هشدار گونه امیر مؤمنان علی علیه السلام است که فریاد برمی‌آورد:

والذی بعثه بالحق لتبلیبن بلبلة، ولتغربلن غربلة، ولتسأطن سوط القدر، حتی یعود اسفلکم اعلاکم واعلاکم اسفلکم؛ (سید رضی، ۱۳۸۸: ۵۸، خطبه ۱۶؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۲، ۱)

سوگند به کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله را به حق مبعوث کرده به شدت مورد آزمایش قرار می‌گیرید و غربال می‌شوید، و همانند محتویات يك ديگ به هنگام جوشش، زیر و رو خواهید شد، آن

چنان که بالای شما پایین و پایین بالا قرار خواهد گرفت.

روایات متعددی گویای آن است که فتنه‌های آخرالزمان و به خصوص مسئله غیبت امام زمان علیه السلام از سهمگین‌ترین فتنه‌هایی است که دامن‌گیر مؤمنان شده و زمینه امتحان و آزمایش آنان را فراهم می‌سازد. به طوری که تحت تاثیر این فتنه‌ها بسیاری از شیعیان و معتقدان به اصل امامت و حتی معتقدان به امام زمان علیه السلام از اعتقاد خود برمی‌گردند. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

انه لا بد لصاحب هذا الامر من غيبة حتى يرجع عن هذا الامر من كان يقول به. انما هي محنة من الله عزوجل امتحن بها خلقه؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۲، ح ۲)
صاحب این امر (ولایت و امامت) غیبتی دارد که در آن معتقدان به امامت از اعتقاد خود برمی‌گردند. این مسئله (غیبت) چیزی نیست جز امتحانی از جانب خدا که خلق خود را با آن می‌آزماید.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

ان للغلام غيبة قبل ان يقوم... غير ان الله عزوجل يحب ان يمتحن الشيعة. فعند ذلك يرتاب المبطلون؛ (کلینی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۳۷، ح ۵)
آن جوان پیش از آن که قیام کند غیبتی دارد... ولی خدای عزوجل دوست دارد که شیعه را امتحان نماید. پس در آن هنگام (زمان غیبت) اهل باطل به تردید می‌افتند.

فتنه‌های دوران غیبت به خصوص فتنه‌هایی که در آستانه ظهور امام زمان علیه السلام روی می‌دهد با تزلزل در عقاید و افکار شیعیان موجب می‌شود تا خوب از بد یا مؤمنان حقیقی و راستین از مؤمن نمایان جدا شوند و تا آن جا پیش می‌رود که تنها اشخاصی از شیعیان باقی بمانند که این‌گونه حوادث و فتنه‌ها تزلزلی در عقاید آن‌ها ایجاد نکرده و همچنان در مسیر حق ثابت قدم باشند. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

انما مثل شيعتنا مثل اُنْدَرٍ يَعْنِي بَيْدَرًا فِيهِ طَعَامٌ فَأَصَابَهُ أَكْلٌ فَنُتِيَ ثُمَّ أَصَابَهُ أَكْلٌ فَنُتِيَ حَتَّى بَقِيَ مِنْهُ مَا لَا يَصُرُّهُ الْأَكْلُ وَكَذَلِكَ شَيْعَتُنَا يُمَيِّزُونَ وَيُحَصِّنُونَ حَتَّى تَبْقَى مِنْهُمْ عَصَابَةٌ لَا تَضُرُّهَا الْفِتْنَةُ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۱، ح ۱۸)

مثل شیعیان ما مثال خانه‌ای است که در آن گندم ریخته شده باشد و به آن کرم بیفتد سپس پاکش کنند و باز کرم بآن بیفتد، و باز پاکش کنند تا آن مقدار از آن بماند که دیگر کرمک به آن آسیب نتواند برساند، و اینچنین شیعیان ما تمیز می‌یابند و پاک می‌شوند تا آنکه گروهی از آنان باقی می‌ماند که گرفتاری آنان را آسیب نرساند.

منشأ فتنه و انواع آن

فتنه‌ها می‌توانند در حوزه فردی و اجتماعی واقع شوند. اما آن‌چه همواره بزرگان دین مردم را از آن بر حذر داشته و نسبت به وقوع آن در جامعه اسلامی ابراز نگرانی کرده‌اند فتنه‌های اجتماعی است؛ زیرا جمعیت کثیری را با خود همراه می‌نماید و در صورت عدم هوشیاری و بصیرت مسلمانان تبعات بزرگ و جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. این فتنه‌ها می‌تواند صیغه‌ای دینی و عقیدتی یا سیاسی و فرهنگی و یا حتی هنری و اقتصادی داشته باشند که با انگیزه ایجاد نفاق و تفرقه بین مسلمانان و نیز اغفال آنان صورت می‌گیرد تا در فضا و شرایط به وجود آمده بهترین نتیجه و حاصل را برای دشمنان دین داشته باشد. در قرآن این نوع فتنه‌ها به چند گروه نسبت داده شده است:

۱. شیطان

﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ﴾؛ (اعراف: ۲۷)
ای فرزندان آدم! شیطان فریبتان ندهد، چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد.

۲. منافقین

﴿لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا وُضِعُوا خِلَالَكُمْ بِيَعُونَكُمُ الْفِتْنَةَ﴾؛ (توبه: ۴۷)
اگر آن‌ها (منافقین) همراه شما به سوی میدان خارج می‌شدند جز اضطراب و تردید چیزی بر شما نمی‌افزودند و در میان شما به سرعت فتنه‌انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) کردند.

۳. بدعت‌گذاران

﴿وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾؛ (مائده: ۴۹)
از هوسهای آنان پیروی نکن و بر حذر باش که مبادا تو را از بعضی احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازند.

۴. شبهه‌گران

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ﴾؛ (آل عمران: ۷)
آنان که در دل هایشان انحراف است، تنها آیات متشابه را پیروی می‌کنند تا به این وسیله فتنه به پا کنند.

۵. کافران

﴿كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ... وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾؛ (بقره: ۱۹۳؛ انفال: ۳۹)

این جزای کافران است... با آن‌ها پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند و دین تنها مخصوص خدا گردد.

فتنه‌انگیزان با ارزیابی شرایط جامعه و گرایش‌های مردم و میزان هوشیاری و توجه مؤمنان، به مسایل خاصی در حوزه‌های ذکر شده روی آورده و فتنه به پا می‌کنند. آغاز این‌گونه فتنه‌ها، هواهای نفسانی فتنه‌انگیزان و بدعت‌گزاری در دین و راهکار این افراد، آمیختن حق به باطل برای فریفتن و اغفال مؤمنین است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

انما بدء وقوع الفتن أهواء تتبع واحكام تتبدع، يخالف فيها كتاب الله ويتولى رجال رجالا على غير دين الله فلوان الباطل خالص من مزاج الحق لم يخف على المرتادين ولوان الحق خالص من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندين ولكن يؤخذ من هذا ضعف ومن هذا ضعف فيمزعجان؛ فهنالك يستولى الشيطان على اوليائه. وينجو الذين سبقت لهم من الله الحسنى؛ (سیدرضی، ۱۳۸۸: ۱۰۲، خطبه ۵۰)

همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی و بدعت‌گزاری در احکام آسمانی است. نوآوری‌هایی که قرآن با آن مخالف است و گروهی (با دو انحراف یاد شده) بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند که برخلاف دین خداست. پس اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت زبان دشمنان قطع می‌گردید. اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد. و تنها آنان که مشمول لطف و رحمت پروردگارانند نجات خواهند یافت.

امام انگیزه فتنه‌جویان را دستیابی به دنیای پست می‌داند:

... يتنافسون في دنيا دنیه و يتكالبون على جيفه مریحه...؛ (همو: ۲۷۸، خطبه ۱۵۱)

آنان در به دست آوردن دنیای پست بر هم سبقت می‌گیرند و چونان سگ‌های گرسنه این مردار را از دست یکدیگر می‌ربایند.

رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای در این رابطه می‌گوید:

دنیاطلبان برای اینکه به مقاصد خودشان برسند، در جامعه فتنه ایجاد می‌کنند؛ جنگ‌ها، تبلیغات دروغین، سیاست بازی‌های ناجوانمردانه این‌ها ناشی از همین دنیاطلبی‌هاست. در محیط فتنه - محیط فتنه به معنای محیط غبارآلود است - و وقتی

فتنه در جامعه‌ای به وجود آمد، فضای ذهنی مردم مثل محیط غبارآلود و مه‌آلود است که گاهی انسان نمی‌تواند دو متری خودش را هم ببیند. یک چنین وضعی به وجود می‌آید. در یک چنین وضعیتی است که خیلی‌ها اشتباه می‌کنند، بصیرتشان را از دست می‌دهند. تعصب‌های بی‌خود، عصیت‌های جاهلی در چنین فضایی رشد پیدا می‌کند. آن وقت می‌بینید محور، دنیا طلبانند؛ اما یک عده کسانی که اهل دنیا هم نیستند، به خاطر فتنه در جهت هدف‌های آن‌ها حرکت می‌کنند؛ وضع دنیا این جور می‌شود. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۷/۶/۲۹)

در تقسیم دیگری از فتنه‌ها، می‌توان آن‌ها را با توجه به محدوده جغرافیایی و سرزمین وقوع‌شان دسته‌بندی کرد. از روایات بر می‌آید فتنه‌هایی که در آخرالزمان و پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه واقع می‌شود، از نظر جغرافیایی در دو سطح است:

اول: در سطح جهانی

فتنه‌ها شامل ظلم و فساد ناشی از استکبار و سیطره قدرت‌های بزرگ است که منجر به خونریزی، کشتار وسیع مردم و شیوع ظلم و ستم فراوان در جوامع می‌گردد و هیچ کس را توان مقابله با آن نیست. وضعیتی که موجب می‌شود زمین پر از ظلم و جور گردیده و در انتظار یک منجی آسمانی لحظه‌شماری کند؛ بزرگ‌مردی از دودمان آل محمد علیهم‌السلام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را با عبارت «الذی یملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا» یا شبیه آن در روایات متعددی توصیف می‌کند (شیخ صدوق، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۷۸-۲۸۸). این فتنه‌ها چنان عالم بشریت را در گوشه گوشه جهان فرا می‌گیرد که پر شدن زمین از فساد و ظلم و جور به عنوان یکی از ویژگی‌های حتمی سال‌های منتهی به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه و لوازم اجتناب ناپذیر آن تلقی می‌شود. در مورد وقوع این گونه فتنه‌ها احادیث و روایات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم‌السلام نقل شده که تطابقش با اوضاع امروز جهان، انسان را به شگفتی وامی‌دارد. از جمله از پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

لتأتیکم بعدی أربع فتن: الأولى: يستحل فيها الدماء، والثانية: يستحل فيها الدماء و الأموال، والثالثة: يستحل فيها الدماء والأموال والفروج، والرابعة: صماء عمياء مطبقة تمور مور الموج في البحر حتى لا يجد أحد من الناس منها ملجأ، تطيف بالشام، وتغشى العراق، وتخبط الجزيرة بيدها ورجلها، تعرك الأمة فيها بالبلاء عرك الأديم، لا يستطيع أحد من الناس يقول فيها: مه مه، لا يرفعونها من ناحية إلا انفتقت من ناحية أخرى؛ (سید بن طاووس، ۱۴۱۶: ۶۸)

بعد از من دچار چهار فتنه می‌شوید: در فتنه اول خون‌ها مباح می‌شود و در فتنه دوم خون و مال مردم حلال می‌شود و در فتنه سوم خون، مال و نوامیس مردم حلال می‌شود و فتنه چهارم زمان نزول بلای سخت، گمراهی عظیم و شداید بزرگ است. مانند قرار گرفتن کشتی در میان امواج سهمگین توفان. در این فتنه کسی از مردم پناهگاهی نمی‌یابد و به شام پر می‌گشاید و همین فتنه عراق را در بر می‌گیرد و جزیره (عرب) را در هم می‌کوبد و دست و پایش را می‌شکند. این فتنه جان همه مردم را در يك روز می‌گیرد. به صورتی که کسی در آن فرصت گفتن يك کلمه را هم نمی‌یابد. این فتنه از منطقه‌ای نرفته به منطقه دیگر وارد می‌شود.

نویسنده کتاب **يوم الخلاص** می‌گوید:

شکی نیست که ما اکنون در شرف گرفتار شدن به فتنه چهارم هستیم زیرا مدت هاست که جان و مال و نوامیس مردم مباح شده و عرب امروز به سخت‌ترین بلاها در طول تاریخ گرفتار شده است و نزدیک است فتنه یاد شده در سرزمین شام واقع شود و بلاد عراق را در بر گیرد. البته از زمان جنگ عراق با ایران این فتنه عراق را در بر گرفته است و این فتنه از بین نمی‌رود تا این که به «جزیره العرب» هم سرایت کند و سرزمین‌های عربی را گرفتار توفان سهمگین خود سازد و زمینش را از خون‌های جاری شده بر آن سیراب نماید و زمانی که سفیانی و طرفدارانش اقدام به خونریزی نمایند بر این خون‌ها افزوده می‌شود. (سلیمان، ۱۳۸۶: ج ۲، ۶۳۲)

چنانچه از روایت فوق مشخص است کسی را یارای ایستادگی در مقابل این نوع از فتنه‌ها نیست. روایات نیز به راهکاری برای مؤمنین جهت نجات از این نوع فتنه اشاره‌ای نکرده‌اند. گویا تنها راه مقابله با این فتنه همان ظهور عدالت‌گستر جهان است که زمین را با قیام خود به عدل و قسط باز می‌گرداند پس از آن که پیر از ظلم و جور شده است.

دوم: در سطح جوامع مسلمان و با مسائل خاص امت اسلام

که عبارت است از شیوع فساد و انحراف در بین مسلمانان و فاصله گرفتن آن‌ها از اصول اعتقادی و فروع دینشان و آلودگی به انواع گناهان و معاصی. احادیث گویای آن است که در زمان غیبت و به خصوص در آستانه ظهور امام زمان علیه السلام اکثر مسلمانان در حفظ دین خود و انجام رفتارهای صحیح دینی ناتوان گردیده و اوامر الهی متروک و به نواهی او عمل می‌شود.

نهایت فاصله گرفتن مردم از کتاب خدا و سنت رسول او و پیروی از آراء و هواهای نفسانی خود در امور دین را می‌توان با این سخن امام علی علیه السلام دریافت که می‌فرماید:

يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى ويعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا
القرآن على الرأى...؛ (سیدرضی، ۱۳۸۸: ۲۵۸، خطبه ۱۳۸)

او (حضرت مهدی علیه السلام) خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار داده‌اند. و در حالیکه مردم به نام تفسیر نظریه‌های گوناگون خویش را بر قرآن تحمیل می‌کنند او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد.

امام علیه السلام در انتهای کلام خود از کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان میتی در بین مردم یاد می‌کند که به دست امام زمان علیه السلام زنده می‌شود:
... و يحيى ميت الكتاب والسنة. (همو)

بزرگ‌ترین فتنه

با وجود ترسیم چنین چهره اسف باری از وضعیت امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آخرالزمان، با مراجعه به سخنان گهربار امام علی علیه السلام می‌توان به فتنه بزرگ‌تری در بین مسلمین اشاره کرد و آن انحراف در اساس حکومت اسلام و افتادن این جایگاه به دست مفسدان و ناهلان است؛ انحرافی که در آغازین روزهای پس از رحلت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بنیان نهاده شد و منجر به انزوای اهل بیت طاهرین آن حضرت و ایجاد تفرقه بین مسلمانان گردید. فتنه‌ای که هنوز که هنوز است قاطبه امت مسلمان در آتش آن می‌سوزد و حاصل آن قیادت و رهبری جاهلان بر مردم و گمراه شدن خیل عظیمی از مسلمانان بوده است. همانطور که امام علیه السلام آن را پیشگویی فرمودند:

... فاسمعوا قولى وعوا منطقي عسى أن تروا هذا الأمر من بعد هذا اليوم تنتصي فيه السيوف و
تخان فيه العهود، حتى تكون يعضكم أمة لاهل الضلالة و شيعه لاهل الجهالة؛
(سیدرضی، ۱۳۸۸: ۲۵۸، خطبه ۱۳۹)

پس به سخنان من گوش فرا دهید و منطق مرا دریابید که در آینده‌ای نه چندان دور برای تصاحب خلافت شمشیرها کشیده شده و عهد و پیمان‌ها شکسته خواهد شد؛ تا آن که بعضی از شما پیشوای گمراهان و پیرو اهل جهالت خواهید شد.

به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین فتنه‌ها در منظر امام علی علیه السلام فتنه‌هایی است که در سطوح بالای جامعه و در عرصه سیاست و حکومت روی می‌دهد و حق را با باطل آمیخته و موجب فریب مسلمانان می‌شود. گرچه در دوران غیبت و پیش از ظهور امام زمان علیه السلام، امام معصومی در میان مردم نیست تا از پیشوایی و قیادت او بهره ببرند ولیکن پیشگویی از فتنه‌ها آن هم فتنه -

های هلاکت‌کننده پیش از ظهور گویای این است که متأسفانه مسلمانان از وظیفه خود در زمان غیبت که همانا پیروی از فقها و مراجعه به روات احادیث اهل‌البیت علیهم‌السلام هستند سر باز زده، زمام امور اجتماعی خویش را به دست ناهلان و نابخردان می‌سپارند. این در حالی است که امام عصر علیه‌السلام در توقیع شریفی چنین مرقوم داشته است:

واما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى روات حدیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجة الله؛
(طوسی، ۱۴۱۱: ۲۹۰)

در رویدادهای تازه به راویان حدیث ما رجوع کنید. که آن‌ها حجت من بر شما و من حجت خدا هستم.

و امام صادق علیه‌السلام در حدیثی فرموده است:

ینظران من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظرفی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوه به حکما فانی قد جعلته علیکم حاکما؛ فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فانما استخف بحکم الله وعلینا ردّ و الرادّ علینا الرادّ علی الله و هو علی حد الشریک بالله؛ (کلینی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۶۷، ح ۱۰)

اگر دو نفر خصومتی داشتند نظر کنند کسی را که از ما حدیث روایت می‌کند و در حلال و حرام ما دقت و نظر نموده و دانای به احکامی است که ما بیان کرده‌ایم. این چنین شخصی را برای حکومت انتخاب کنند زیرا من چنین شخصی را حاکم بر شما قرار دادم. او اگر حکم کند و مورد قبول واقع نشود استخفاف به حکم خدا و رد بر ماست و کسی که ما را رد کند خدا را رد کرده و چنین کسی در حد شریک به خداست.

امام علی علیه‌السلام مسلمانان را در هنگام بروز این‌گونه فتنه‌ها به اموری سفارش می‌فرماید:

... فَلَا تَكُونُوا أَنْصَابَ الْفِتَنِ وَأَعْلَامَ الْبِدَعِ - وَالزُّمُوا مَا عُقِدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ - وَ بُنِيَتْ عَلَيْهِ أَرْكَانُ الطَّاعَةِ - وَأَقْدَمُوا عَلَى اللَّهِ مَظْلُومِينَ وَلَا تَقْدَمُوا عَلَيْهِ ظَالِمِينَ - وَ اتَّقُوا مَدَارِحَ الشَّيْطَانِ وَ مَهَابِطَ الْعُدْوَانِ - وَلَا تُدْخِلُوا بُطُونَكُمْ لُعْنَ الْحَرَامِ - فَإِنَّكُمْ بَعَيْنٌ مَنْ حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَعْصِيَةَ - وَ سَهْلٌ لَكُمْ سُبُلُ الطَّاعَةِ؛ (سیدرضی، ۱۳۸۸: ۲۵۸، خطبه ۱۵۱)

پس شما نشانه‌های فتنه و پرچم‌های بدعت نباشید، و از رشته‌ای که اجتماع را به هم پیوند داده، و از آنچه فرمانبرداری خدا بر اساس آن بنا شده جدا نشوید. ستم‌دیده بر خدا وارد شوید نه ستمگر. از گام نهادن در راه‌های شیطان و موارد ستم و عدوان پرهیزید. در شکم‌های خود لقمه‌ی حرام نریزید، زیرا کسی که گناه را بر شما حرام، و راه فرمانبرداری را برایتان هموار کرده شما را زیر نظر دارد.

در این فراز امام علیه‌السلام شنوندگان را نهی می‌کند که مبادا در صورت ادراک این فتنه‌ها و مشاهده

این رویدادها فتنه‌انگیزان را یاری و با بدعت‌گزاران همکاری‌کنند؛ مراد از «أعلام البدع» یعنی از سران و رهبران این بدعت‌ها نباشند، و در این کار شهرت و آوازه به هم نرسانند که مردم به آن‌ها اقتدا کنند و به دنبال آن‌ها بشتابند همان گونه که به دنبال عَلم و نشانه می‌شتابند (بحرانی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۴۱۷). چنان چه در کلام دیگری می‌فرماید:

كن في الفتنة كابت لبون لا ظهر فيركب ولا ضرع فيحلب؛ (سیدرضی، ۱۳۸۸: ۲۶۴، حکمت ۱)
 هنگام ظهور فتنه همچون شتر بچه باش که نه پشتی دارد که بر آن سوار شوند، و نه پستانی که آن را بدوشند.

عوامل نجات از فتنه‌ها

حال با اوضاعی که از جامعه مسلمانان در آخرالزمان ترسیم شد، از فتنه‌هایی که در عرصه سیاست و حکومت روی می‌دهد و این که احوال مردمان فروغلتیدن در منجلاب معاصی و گناهان و دست برداشتن از اعتقادات و باورهای صحیح و درست است و اینکه فتنه‌ها و بلاهای اجتماعی به صبغه‌های گوناگون مؤمنان را در برمی‌گیرد؛ برای نجات و رهایی از این فتنه‌ها چه باید کرد؟

تتبع در روایات اهل بیت علیهم‌السلام و نیز آیات قرآن ما را به ده عنوان رسانید که التزام عملی به آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در رهایی انسان از شرور حاصل از فتنه‌ها داشته باشد. این ده راهکار تحت دو عنوان کلی «تمسک به دین» و «بصیرت» قرار داده شده‌اند. منظور از «تمسک به دین» مجموعه‌ای از امور اعتقادی، صفات اخلاقی و رفتارهای دینی است که در آیات قرآن و روایات مورد تاکید قرار گرفته و نقش مؤثری در نجات از فتنه‌ها دارد؛ و مراد از «بصیرت»، تشخیص حق از باطل است که با التزام به برخی امور ایجابی و یا سلبی فراهم آمده و انسان مؤمن را در جولان فتنه‌ها به سمت حق هدایت و از سقوط در فتنه‌ها در امان نگه می‌دارد.

تمسک به دین

الف) صبر و استقامت در دینداری

آن چه شناخت فتنه و پرهیز از فروغلتیدن در آن را برای انسان ضروری می‌نماید این است که فتنه‌ها می‌تواند موجب از دست رفتن مهم‌ترین سرمایه و دست‌آورد انسان یعنی دین او باشد و او را دست خالی از این گوهر سعادت بخش روانه دیار باقی نماید. آیات قرآن از زبان برخی انبیاء الهی تأکید بر «مرگ بر تدین» دارد چنان چه حضرت یعقوب علیه‌السلام هنگام مرگ به

فرزندان توصیه می‌نماید که

﴿فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾؛ (بقره: ۱۳۲)

شما جز به آئین اسلام از دنیا نروید.

و طلب عاقبت به خیر شدن یعنی به همراه بردن دین و ایمان به هنگام مرگ یکی از مهم‌ترین حوائج انسان است که در ادعیه متعددی از لسان معصومین علیهم‌السلام بیان شده است. بنابراین مهم‌ترین وظیفه شخص در زمان غیبت و به خصوص با بروز فتنه‌هایی که در آستانه ظهور بروز می‌یابد حفظ دین است. خطر از دست رفتن اعتقادات صحیح، مهم‌ترین خطری است که در زمان غیبت مسلمانان را تهدید می‌کند. امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید:

إذا فقد الخامس من ولد السابع فالله فالله في ادیانکم لا یزیلنکم عنها احد. یا بُئی انه لا بد لصاحب هذا الامر من غیبة حتى یرجع عن هذا الامر من كان یقول به؛ انما هی محنة من الله عزوجل امتحن بها خلقه؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۳۳۶)

وقتی پنجمین فرزند از نسل امام هفتم غایب گردید خدا را خدا را در نظر گیرید و مواظب دین خود باشید که کسی شما را از آن جدا نکند. پسر جان، صاحب این امر ناگزیر غیبتی خواهد داشت تا جایی که (برخی از) معتقدان به این امر از آن برگردند، آن غیبت آزمونی است از سوی خدای بزرگ که آفریدگان خود را به آن آزمایش می‌کند.

در این حدیث امام کاظم علیه‌السلام با تأکید بر مواظبت انسان از دینش به این حقیقت اشاره می‌کند که دین چیزی جز اعتقاد به امامت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام نیست که در زمان غیبت، هجمه‌ها و فتنه‌ها بر مدار منحرف ساختن مؤمنان از این اعتقاد می‌چرخد. بدیهی است در چنان اوضاعی از جامعه، حفظ دین و بقای بر اعتقادات صحیح و استقامت بر طریق حق، کاری بسیار دشوار خواهد بود. چنان‌چه از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود:

ان لصاحب هذا الامر غیبة، المتمسك فیها بدینه كالخارط للقتاد... ثم قال: لصاحب هذا الامر غیبة فلیتق الله عبد و لیتمسك بدینه؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۳۳۵)

برای صاحب این امر غیبتی است که دیندار در آن مانند کسی است که دستش را بر روی شاخه درخت خار کشد... سپس فرمود برای صاحب این امر غیبتی است و بنده باید تقوای الهی پیشه سازد و متمسک به دینش باشد.

در چنین زمانی با وجودی که دیندار ماندن، از دست کشیدن بر بوته خار مشکل تر است اما وظیفه انسان مؤمن نیز جز دینداری و عمل بر طبق موازین دینی چیزی نیست. اوضاع

نابسامان پیش از ظهور، پشت پا زدن مسلمانان به اعتقادات دینی و باورهای مذهبی خود و گرایش اکثری آنان به سوی اعمال خلاف شرع و عوض شدن چهره جامعه اسلامی و شیوع منکرات هیچکدام رخصتی به انسان مؤمن در همراهی با این جماعت و فرو افتادن در منجلاب گناه و فساد نمی‌دهد. انسان مؤمن باید با صبر و استقامت گام‌های خود را در مسیر حق و حقیقت هر چند طاقت فرسا باشد، بردارد و با اندیشه در آیات یا احادیثی که از ائمه طاهیرین علیهم‌السلام در مورد فضیلت صبر و استقامت در چنین دورانی وارد شده و برتری انسان‌هایی که بر اعتقادات صحیح و باورهای الهی خود ایستادگی کردند؛ به یاری خود به پا خیزد.

قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾؛ (فصلت: ۳۰)

به یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.

و امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

للقائم منا غيبة، أمدها طويل كافي بالشيعة يحولون جولان النعم في غيبته يطلبون المرعى فلا يجدونه؛ ألا فن ثبت منهم على دينه و لم يقس قلبه لطول أمد غيبة امامه فهو معي في

درجتي يوم القيامة؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۰۳، ح ۱۴)

برای قائم ما غیبتی است که مدت‌ش طولانی است. گویا شیعه را می‌بینم که جولان می‌دهد مانند جولان چهارپایان، چراگاه را می‌جویند اما آن را نمی‌یابند. بدانید هر که در آن دوران در دینش استوار باشد و قلبش به واسطه طول غیبت امامش سخت نشود، او در روز قیامت با من و در رتبه و درجه من است.

(ب) تمسک به قرآن

قرآن مایه هدایت انسان است و او را به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند؛ (اسراء: ۹) ^۱ و بنا بر حدیث ثقلین، ^۲ کسی که به هدایت قرآن متمسک شود، هرگز گمراه نخواهد شد.

قرآن، هدایت یا ارائه طریق برای همه انسان‌هاست و پس از این هدایت عام، کسانی که آن

۱. ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ﴾.

۲. قال رسول الله: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنَّ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا. كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۰۰)

را پذیرفته‌اند از هدایت خاصه قرآن برخوردار خواهند شد. چنانچه فرمود:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾. (بقره: ۲)

پیامبر عزیز اسلام ﷺ دلسوزانه امت را به وقوع فتنه‌هایی پس از خود به خصوص در آخرالزمان مکرراً هشدار داد. فتنه‌هایی که راه هدایت در ظلمت آن‌ها پوشیده می‌ماند و هیچ نور هدایت کننده‌ای با آن همراه نیست. ایشان می‌فرمایند:

يكون بين يدي الساعة فتن كقطع الليل المظلم يصبح الرجل مؤمنا ويمسي. كافرًا ويمسي.

مؤمنًا و يصبح كافرًا؛ (انصاری قمی، ۱۳۸۸: ۷۱۵، ح ۶۰۳۲)

پیش از قیامت (در آستانه ظهور) فتنه‌هایی همانند تاریکی‌های شب ظلمانی پدید آید که آدمی صبح را اهل ایمان و شب را اهل کفر شود و (یا) شب مؤمن است و صبح کافر می‌گردد.

آنگاه برای امت خود در دل تاریکی‌های حاصل از فتنه‌ها، راه برون رفت را مشخص فرمود:

إذا التيس عليكم الامور كقطع اليل المظلم فعليكم بالقرآن؛ (همو: ۳۳، ح ۱۸)

هر گاه امور همچون شب تاریک بر شما مشتبه شد پس به قرآن مراجعه کنید.

آری ظلمت همان ویژگی فتنه‌هاست که در آن حق با باطل می‌آمیزد و امور بر انسان مشتبه گردیده و او توان یافتن راه درست و نجات بخش را نخواهد داشت. در چنین شرایطی تمسك به حبل متین الهی یعنی قرآن به فرموده پیامبر ﷺ راه نجات بخش است؛ زیرا قرآن فرقان یعنی جداکننده حق از باطل است. خداوند متعال قرآن را فرقان نامید زیرا در پرتو روشنگری - های آیات نورانی این کتاب مقدس حق از باطل به وضوح جدا می‌شود؛

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾؛ (فرقان: ۱)

زوال ناپذیر و پیر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده همه جهانیان باشد.

چنانچه در آیه ای دیگر می‌فرماید:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾؛

(بقره: ۱۸۵)

ماه رمضان ماهی که قرآن برای هدایت مردم و نشانه‌های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن نازل شده است.

آیت الله جوادی آملی در تفسیر این آیه می‌گوید:

در این آیه کریمه اوصاف «هدایت»، «بینه» و «فرقان» برای قرآن کریم ذکر شده و سزاینکه «لنّاس» را پس از «بینات من الهدی و الفرقان» ذکر نفرمود آن است که همه مخاطبان قرآن یکسان نیستند. قرآن نسبت به توده مردم هدایت است چنان‌که نسبت به برخی از انسان‌ها بینه و شاهد است. کسی که راه را پیدا نکند راهنما می‌خواهد و آن کس که راه را پیدا کرد شاهدهی می‌طلبد و قرآن برای گروه اول هدایت و برای گروه دوم که با عقل و استدلال راه را شناخته‌اند بینه و شاهد است. به تعبیر دیگر قرآن اثری عمومی دارد که هدایت عامه مردم و نشان دادن راه و جداسازی آن از چاه است و اثری خصوصی دارد که فرقان علمی و عملی است و انسان سالک شایستگی دریافت آن را پیدا می‌کند. در پرتو فرقان علمی، انسان سالک هم از نظر عقل و استدلال نیروی تشخیص می‌یابد و می‌تواند مسائل را خوب بفهمد و هم از نظر کشف و شهود دیده‌ی بصیرتش گشوده می‌شود... ثمره‌ی فرقان علمی آن است که چنین سالکی خواه با علم حصولی و خواه با علم حضوری، توان تشخیص بین حق و باطل را دارد و اگر به این بصیرت علمی حرمت نهاد و به آن چه فهمید عمل کرد، رفته رفته فرقان عملی هم به او عطا می‌شود. فرقان عملی همان گرایش قلبی به حق و گریز و دوری از باطل است. انس با قرآن و نفوذ آن در دل و جان موجب می‌شود که انسان زشتی و پلیدی گناه را ببیند و بوی بد گناه شامه روحش را آزرده سازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۶۴-۲۶۵)

توصیه به ملازمت با قرآن در خصوص فتنه‌های دوران غیبت مورد تأکید امامان معصوم علیهم‌السلام نیز قرار گرفته است. ابویوب مخزومی می‌گوید: امام محمد باقر علیه‌السلام سیر دوازده تن خلفای راشدین علیهم‌السلام را ذکر فرمود و چون به آخرین آن‌ها رسید فرمود:

الثانی عشر الذی یصلی عیسیٰ بن مریم خلفه. علیک بسنته و القرآن الکریم؛
(صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۳۲)

دوازدهم کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز گذارد. برتوست که ملازم سنت او و قرآن کریم باشی.

ج) معیت با اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دوران رسالت خویش، مکرراً امت را به سوی انسان‌هایی که بعد از آن حضرت دلیل و راهنمای آنان به سوی هدایت و سعادت باشند، ارشاد فرمود. به طوری که در حدیث ثقلین (انصاری قمی، ۱۳۸۸: ۶۳، ح ۴۷۰) آنان را عدل قرآن قرار داده و ضلالت و گمراهی را از هر آن کس که به آنان تمسک بجوید نفی کرد. این انسان‌ها کسی جز اهل بیت مکرم آن حضرت نبودند که بارها و بارها مقام و جایگاه والای آنان را به امت گوشزد فرمود. ایشان به صراحت علی علیه‌السلام را معیار حق قرار داده و فرمود در فتنه‌ها که حق و باطل به هم

آمیخته و تشخیص حق دشوار می‌گردد به ایشان پایبند و با او همراه شوید:

ستكون من بعدی فتنه فان كان ذلك فالتموا علی بن ابی طالب فانه فاروق بین الحق و الباطل؛ (همو: ۳۴۴، ح ۲۸۵۶ و ۳۵۲، ح ۲۹۲۰)
پس از من فتنه و آشوبی پیدا شود. پس هرگاه چنین شود با علی بن ابیطالب علیه السلام همراه باشید که او جداکننده حق از باطل است.

و فرمود:

انا صراط الله المستقیم الذی امرکم باتباعه ثم علی من بعدی ثم وُلدی من صلبه ائمه یهدون الی الحق و به یعدلون؛ (همو: ۶۹، ح ۵۱۵)
من همان راه مسقیم خداوندم که فرمان داده پیروی کنید. سپس علی علیه السلام پس از من سپس فرزندانم از نسل او؛ امامانی که به حق هدایت و به او راهنمایی می‌کنند.

از آنجا که رهیدن از فتنه‌ها مشروط به تشخیص حق از باطل است و در فضای فتنه‌آلود به خاطر آمیختن حق به باطل، تشخیص حق بسیار دشوار گردیده و افراد بسیاری زیر پرچم باطل به گمان حق بودند پناه می‌گیرند؛ خداوند از سر لطف خویش، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علم هدایتی را در بین بندگان برافراشت تا با تجمع بر گرد آن و تبعیت از او، از گمراهی و ضلالت در امان بمانند. این علم هدایت کسی نیست جز اهل بیت طاهرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که انسان مؤمن تنها و تنها با التزام و همراهی با آنان در تمامی زوایای زندگی خویش می‌تواند خود را در صراط مستقیم الهی قرار دهد. جدا شدن از آنان، چه پیش افتادن و چه عقب ماندن، همان و سقوط در سراسیمگی گمراهی و ضلالت فتنه‌ها نیز همان؛ و این از آن جهت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم راه نجات از فتنه‌ها را تنها به خود و اهل بیت‌شان منحصر دانست:

قال علی علیه السلام لرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یا رسول الله أمنا الهداة ام من غیرنا؟ قال بل منّا الهداة الی الله الی یوم القیمه. بنا استنقذه الله عزوجل من ضلالة الشکر و بنا یستنقذهم من ضلالة الفتنة...؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲۳۱، ۱)

علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: آیا هادیان از ما هستند یا از غیر ما؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هادیان به سوی خدای تعالی تا روز قیامت از ما هستند. و به واسطه ما خدای تعالی مردم را از گمراهی شرک نجات داد و به واسطه ما آن‌ها را از گمراهی فتنه نجات می‌دهد...

و امام علی علیه السلام فرمود:

انظروا اهل بیت نبیکم فالتموا سمتهم و اتبعوا أثرهم فلن یخرجوکم من هدی و لن یعیدوکم

فی ردی فان لبدوا فالبدوا وان نهضوا فانهضوا ولا سبقوهم فضلوا ولا تتدخروا عنهم
فتهلكوا؛ (سیدرضی، ۱۳۸۸: ۱۸۰، خطبه ۹۷)

مردم، به اهل بیت پیامبرتان بنگرید. از آن سو که گام بر میدارند بروید. قدم جای
قدمشان بگذارید. آن‌ها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز
نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید. از آن‌ها پیشی
نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که هلاک می‌گردید.

بدیهی است در دوران غیبت که مؤمنان از حضور امامی معصوم در میان خود محرومند
تبعیت از نواب عام امام یعنی فقها و مجتهدین جامع‌الشرایط و التزام به اوامر و نواهی آن‌ها و
به خصوص ولی‌فقیه در مسائل و ابتهالات دینی و اجتماعی، وظیفه‌ای حتمی بوده و می‌تواند تا
اندازه‌ای خلأ وجود امام معصوم را جبران نماید. و این تنها راه برون رفت از فتنه‌ها و سلامت
ماندن از آن‌ها در این دوران است. چنانچه امام زمان علیه السلام در توقیع شریفی همین را بر شیعیان
خویش تکلیف فرمود:

واما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجه الله؛
(طوسی، ۱۴۱۱: ۲۹۰)

در رویدادهای تازه به راویان حدیث ما رجوع کنید که آن‌ها حجت من بر شما و من حجت
خدا هستم.

د) معرفت امام

معرفت امام، رکن رکین دین است به طوری که حتی با شناخت خدا و رسول او اگر
شخص، امام زمان خود را نشناسد و بمیرد جاهلانه مرده است. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «أَوْمَن
كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...»^۱
(انعام: ۱۲۲) فرمود:

«أَوْمَن كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» میت لا يعرف شیئا و «نُورًا
يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» اماما یؤتم به «كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» الذی لا
يعرف الامام؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸۵)

«مرده بود» یعنی جاهل بود و چیزی را نمی‌شناخت. «وبرای او نوری قرار دادیم که با آن
میان مردم راه می‌رود» یعنی امامی قرار دادیم که از او پیروی کند. «و کسی که به مثل در

۱. و آیا آن کس که مرده بود پس او را زنده کردیم و برایش نوری قرار دادیم که با آن میان مردم راه می‌رود، چون کسی
است که به مثل در تاریکی هاست و از آن بیرون شدنی نیست؟

تاریکی هاست و از آن بیرون شدنی نیست» کسی است که امام خود را نمی‌شناسد.

پس شناخت امام از مهم‌ترین اموری است که انسان را از ظلمت گمراهی به روشنای هدایت وارد می‌کند. و البته این معرفت باید از طریق صحیح و از جایگاه شایسته خود یعنی از کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ گرفته شده باشد. در این صورت انسان را در گردباد فتنه‌ها و شداید مستحکم نگه می‌دارد. امام علیه السلام می‌فرماید:

من اخذ دینه من کتاب الله و سنه نبیه ﷺ زالت الجبال قبل ان یزول و من أخذ دینه من افواه الرجال رذته الرجال؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۷)

هر کس دین خود را از کتاب خدا و سنت پیامبرش بگیرد اگر کوه‌ها سست شوند او سست نمی‌شود و کسی که دین خود را از دهان این و آن بگیرد همان افراد او را از دین برمی‌گردانند.

آن چه در این رابطه قابل توجه است این است که تسلیم در مقابل امام و پذیرش سخن او جزئی از معرفت و بلکه کمترین درجه از معرفت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أدنی معرفه الامام انه عدل النبی الا درجه النبوه و وارثه و أن طاعته طاعه الله و طاعه رسول الله و التسليم فی کل أمر و الرد الیه و الأخذ بقوله؛ (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۵: ۲۲۸
به نقل از بحار الانوار)

پایین‌ترین حد معرفت امام این است که او همتای پیامبر ﷺ جز در نبوت و وارث آن حضرت است و اینکه اطاعت از امام اطاعت از خدا و رسول خداست. و تسلیم شدن به او در هر کار و ارجاع هر چیزی به ایشان و سپس برگرفتن نظر امام در آن مورد است. بنابراین دستگیره محکمی که انسان در دوران غیبت و در هجمه فتنه‌ها می‌تواند با دست یازیدن به آن خود را از سقوط و هلاکت حفظ کند، شناخت امام و معرفت نسبت به مقام والای او در پیشگاه خدا و در نظام خلقت و نیز تسلیم در مقابل اوامر و نواهی اوست. امام سجاد علیه السلام از جد برگوارشان حضرت علی علیه السلام نقل کرده که ایشان فرمود:

و ان للقاء من غیبتین احدهما أطول من اخری... و اما الاخری فیطول أمدھا حتی یرجع عن هذا الأمر اکثر من یقول به فلا یثبت علیه إلا من قوی یقینه و صحت معرفته و لم یجد فی نفسه حرجا مما قضینا و سلم لنا أهل البیت؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۲۴)

و برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی‌تر است... اما غیبت دیگر طولانی می‌شود تا به غایتی که بیشتر معتقدین به آن امام بزرگوار از این امر بازگردند و بر آن ثابت نمانند مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش درست باشد و در دلش حرجی از آنچه حکم

می‌کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت باشد.

هـ) اخلاص

یکی از مهم‌ترین دستگیره‌های رهایی بخش در رویارویی با فتنه‌هایی که دین و اعتقاد انسان را هدف می‌گیرند، اخلاص است. خداوند به اخلاص در دین در آیات متعددی از قرآن اشاره فرموده است. اهمیت اخلاص در مصون ماندن از فتنه‌ها با توجه به آیات سوره «ص» روشن می‌شود؛ آنجا که ابلیس لعین پس از دریافت مهلت از خداوند به عزت او سوگند می‌خورد که همه آدمیان را گمراه نماید جز بندگانی که خود را برای خداوند خالص کرده باشند: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ»؛ (ص: ۸۲-۸۳)؛^۱ در این آیه کریمه تسلط شیطان بر بندگان مخلص خداوند نفی شده است و همین نقطه قوت مهمی است که مخلصین در رویارویی با فتنه‌ها از آن برخوردارند.

پیامبر اعظم ﷺ یکی از ویژگی‌های برجسته مخلصین را رهایی آن‌ها از فتنه‌های ظلمانی و گمراه کننده دانسته آنجا که می‌فرماید:

طوبى للمخلصين اولئك مصابيح الهدى، تنجلي عنهم كل فتنه ظلماء؛ (انصاری قمی، ۱۳۸۸: ۳۸۴، ح ۳۱۸۳)

خوشا به حال مخلصان، آنان چراغ‌های هدایتند که هر فتنه‌ای از آن‌ها زدوده می‌شود.

پس نه تنها فتنه‌ها در ثبات عقیده و ایمان مخلصین اثر سوئی ندارد بلکه مخلصان می‌توانند راهنمای دیگران نیز در هنگام بروز فتنه در جامعه باشند و آن‌ها را از هلاکت و سقوط در فتنه برهانند.

امام رضا علیه السلام نیز در ضمن حدیثی که از پدران بزرگوارشان از امام علی علیه السلام روایت کرده تنها مخلصین را در فتنه‌ها ثابت قدم دانسته است. در این حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

ای حسین نهمین از فرزندان تو همان قائم به حق است. کسی که آشکار کننده ی دین و بسط دهنده عدل است. امام حسین علیه السلام می‌پرسد: یا امیرالمؤمنین آیا آن واقع خواهد شد؟ و امام علی علیه السلام می‌فرماید: بلی سوگند به خدایی که محمد را به نبوت مبعوث کرد و او را بر جمیع خلائق برگزید آن واقع خواهد گردید و لیکن پس از غیبت و حیرتی که جز مخلصین کسی در آن استوار نمی‌ماند. کسانی که مباشر روح الیقین هستند و خداوند پیمان ولایت ما

۱. گفت به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهیم کرد مگر بندگان خالص تو از میان آنها.

را از آن‌ها گرفته و ایمان را در قلوبشان نگاشته و آنان را به واسطه روحی از جانب خود مؤید داشته است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۰۴)^۱

بنابراین یکی از راهکارهای مؤثر برای نجات از فتنه‌های دوران غیبت، ورود انسان در سلک مخلصان است کسانی که از هر چه غیر خدا دل بریده‌اند و ظاهر و باطن خویش را برای خدا قرار داده و جایی در برای جولان هواهای نفسانی در وجود خود باقی نگذارده‌اند. انسان معتقد می‌تواند خود را ارزیابی کند که آیا در سلک این گروه هست یا نه؟ پیامبر مکرم ﷺ نشانه‌هایی برای مخلصین بیان فرمودند:

علامة المخلص اربع: يُسَلِّمُ قلبه و يُسَلِّمُ جوارحه و يبذل خيره و يَكْفُ شره؛ (انصاری قمی، ۱۳۸۸: ۴۰۰، ج ۳۳۱۷)

نشانه مخلص چهارچیز باشد: دل خود را سلامت و پاکی ببخشد و اعضای خود را پاکسازی کند و نیکی خود را تقدیم و از بدی خود جلوگیری کند.

و) دعا به درگاه خداوند

ذکر خداوند در تمام لحظات خوشی و ناخوشی و خواندن او در سختی و آسایش و تضرع به درگاه او در ابتلائات از آموزه‌های دین ماست. قرآن دعا را مایه توجه خداوند به انسان دانسته و می‌فرماید:

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾؛ (فرقان: ۷۷)

ای پیامبر بگو اگر دعای شما نباشد پروردگرم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند.

و کدام بلا بزرگتر از بلاهایی است که دین انسان و سعادت ابدی او را نشانه می‌رود. انسان مؤمن در این هنگام باید خاشعانه خدای خویش را بخواند و از او طلب نجات و استمداد کند. و این تنها راه نجات است چنانچه امام صادق علیه السلام در حدیثی نجات از فتنه‌های آخرالزمان را از همه کس سلب نمود جز آن که خدا را به دعای غریق بخواند:

ستصیبکم شبهه فتبغون بلا علم بیری ولا امام هدی لا ینجوا منها لا من دعا

بدعاء الغریق؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۵۲)

به زودی شبهه‌ای به شما می‌رسد و در آن بی‌نشانه آشکار و بدون امام هدایت بمانید. و

۱... آی و الذی بعث محمدا بالنبوه و اصطفاه علی جمیع البریه و لکن بعد غیبه و حیره فلا یثبت فیها علی دینه الا المخلصون المباشرون لروح الیقین. الذین أخذ الله عزوجل میثاقهم بولایتنا و کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه.

کسی از آن شبهه نجات نمی‌یابد مگر آن که خدا را به دعای غریق بخواند.

عبد الله بن سنان که راوی حدیث است سؤال می‌کند دعای غریق چگونه است؟ حضرت می‌فرماید: می‌گویی:

یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک. (همو)

توجه به این که مؤمنان در زمان غیبت در آستانه غرق شدن در دریای فساد و تباهی هستند، می‌تواند برای انسان بسیار مفید باشد. زیرا با پی بردن به حساسیت زمان غیبت و سختی دینداری در آن، از جان و دل دعا می‌کند و به درگاه خدا دست نیاز بلند می‌کند و به عنایات اهل بیت علیهم‌السلام متوسل می‌شود تا او را از این شرایط بحرانی نجات داده و سالم به ساحل نجات و سعادت برسانند. بدیهی است که برای شخصی که منجلاب فتنه‌ها را می‌بیند یکی از مهم‌ترین درخواست‌ها، طلب فرج و وقوع هر چه سریع‌تر ظهور امام زمان علیه‌السلام است که تنها امید بشر برای بازگرداندن عدالت و قسط به جامعه انسان‌هاست. دعاکننده از این راه، هم خود را در معرض نسیم استجاب قرار می‌دهد و هم از امام خود یاد کرده و با او هم‌درد می‌شود.

نقش دعا در رهایی انسان از فتنه‌های گمراه‌کننده تا بدانجاست که بنا بر روایتی از امام حسن عسکری علیه‌السلام تنها کسی از فتنه‌های آخرالزمان نجات می‌یابد که دعاکننده برای تعجیل فرج و تحقق هرچه سریع‌تر ظهور امام زمان علیه‌السلام باشد. ایشان خطاب به یکی از صحابه خویش می‌فرماید:

... مثله فی هذه الامة مثل الخضر و مثله مثل ذوالقرنین و الله لیغیبن غیبه لا ینجوا فیها من الهلکة الا من ثبته الله علی القول بامامته و وقفه للدعاء بتعجیل فرجه؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۸۴، ح ۱)

مثل او در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است، او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی‌یابد مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعاء به تعجیل فرج موفق سازد.

بدیهی است کسی می‌تواند در دوران حساس غیبت به دعا برای فرج مولایش بپردازد که بر امامت او ثابت قدم مانده و هیچ شك و تردیدی نسبت به وجود امام زمان علیه‌السلام و زنده بودنش نداشته باشد. پس لازمه دعا برای فرج همان معرفت امام است. کیمیای سعادت است که بسیار با ارزش و به همین دلیل مورد هجوم فتنه‌های آخرالزمان است.

از آنجا که معرفت امام بنیان دیانت و دینداری است و در تهاجم فتنه‌ها این اعتقادات انسان و دین اوست که هدف قرار می‌گیرد طلب معرفت امام از مهم‌ترین دعاها در زمان غیبت است. به همین دلیل وقتی امام صادق علیه السلام از غیبت امام زمان علیه السلام سخن می‌گوید و به شك و تردید بسیاری از مردم نسبت به وجود آن حضرت اشاره می‌کند و زواره صحابی گرانقدر آن حضرت می‌پرسد اگر من آن زمان را درك كردم چه كنم؟ امام علیه السلام می‌فرماید: اگر آن زمان را درك كردی این دعا را بخوان:

اللهم عرّفني نفسك فانك ان لم تعرّفني نفسك لم اعرف رسولك اللهم عرّفني رسولك فانك ان لم تعرّفني رسولك لم اعرف حجتك اللهم عرّفني حجتك فانك ان لم تعرّفني حجتك ضللت عن ديني. (كليني، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۳۷، ح ۵)

در این روایت می‌بینیم که امام صادق علیه السلام پیش از هر امر دیگری به دعا دستور می‌دهد؛ دعای شریفی که شامل معرفت خدا، معرفت رسول خدا و معرفت امام است و ارتباط بین عدم معرفت امام و گمراهی در دین نیز نه فقط به خاطر آن است که عدم شناخت امام سبب عدم آشنایی با احکام دین است بلکه بدین سبب است که معرفت امام محور همه اعتقادات و عصاره همه آن‌هاست که بدون وجود آن توحید و معرفت خدا هم به حال انسان مفید نخواهد بود. (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۵: ۲۱۰-۲۱۱)

بصیرت

الف) علم و دانش

از آنجا که فتنه‌ها حاصل آمیخته شدن حق با باطل و در نتیجه پوشیده شدن حق است، اگر انسان مؤمن بتواند حق را از باطل تشخیص دهد می‌تواند زیر پرچم حق رفته و خود را از سقوط در فتنه نجات دهد. بنابر دسته‌ای از آیات و روایات یکی از ابزارهای لازم برای این مهم، علم است.

قرآن ما را به نقش کلیدی علم و دانش در برخورداری از بصیرت و تشخیص حق از باطل رهنمون می‌سازد؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَمَّا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَدَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾

(رعد: ۱۹)

آیا کسی که می‌داند آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است همانند کسی است

که نایبناست؟

در این آیه علم و باور داشتن به حق بودن قرآن بیانگر برخورداری از بصیرت است. زیرا این گروه در مقابل کسانی قرار گرفته‌اند که به خاطر عدم تشخیص حق، به نایبناپی و عماء توصیف شده‌اند.

از سوی دیگر در آیه «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»^(سبأ: ۶) حق دیدن قرآن به عالمان نسبت داده شده است. بنابراین بصیرت صاحبان علم اثبات می‌شود. همان ویژگی ارزشمندی که نقش موثری در برکنار بودن انسان از فتنه‌ها دارد؛ چنان‌چه پیامبر ﷺ می‌فرماید:

ان الفتنة تجيء فتنسف العباد نسفا وينجوا العالم منها بعلمه؛ (انصاری قمی، ۱۳۸۸: ۱۰۳، ج ۷۶۲)

فتنه و آشوب‌های منحرف بیاید و آدمیان را در هم شکند و دانشمند به کمک دانش خود از آن رهایی یابد.

و می‌فرماید:

ستكون فتن يصبح الرجل فيها مؤمنا ويسي. كافرا الا من احياه الله تعالى بعلمه؛ (همو: ۳۴۴، ج ۲۸۵۷)

در آینده فتنه‌هایی پیش خواهد آمد که آدمی صبح خود را با ایمان آغاز می‌کند و شب به کفر می‌رسد مگر کسی که خداوند او را به دانش و آگاهی زنده کرده باشد.

اما این چه علمی است که انسان در پرتو نور آن می‌تواند حق را تشخیص دهد؟ و صاحب آن از سقوط در فتنه‌ها در امان می‌ماند؟ روایتی که از پیامبر ﷺ نقل شده می‌تواند پاسخی به این سؤال باشد.

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید:

پیامبر ﷺ به مسجد داخل شد و جماعتی را مشاهده کرد که اطراف مردی گرد آمده‌اند. فرمود این کیست؟ گفته شد: علامه است. فرمود علامه کیست؟ گفتند: «داناترین مردم به نسب‌های عرب و وقایع آن و روزگار جاهلیت و اشعار عربی است.» پیامبر ﷺ خطاب به آن‌ها فرمود: «ذاك علم لا يضر من جهله ولا ينفع من علمه. ثم قال: انما العلم ثلاثة: آية

۱. کسانی که به ایشان علم داده شده می‌دانند آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است و به راه خداوند عزیز و حمید هدایت می‌کند.

محکمه؛ أو فريضة عادلة؛ أو سنة قائمة و ما خلاهن فهو فضل؛ این علمی است که از جهل آن ضرر و زیانی نرسد و از علم به آن سودی حاصل نشود. همانا علم منحصر است به سه چیز: آیه محکمه، یا فريضة عادله، یا سنت قائمه و غیر از اینها زیادت است. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲)

امام خمینی علیه السلام این حدیث را چنین شرح کرده است:

«آیه محکمه» عبارت است از علوم عقلیه و عقاید حقه و معارف الهیه و «فريضة عادله» عبارت است از علم اخلاق و تصفیه قلوب و «سنت قائمه» عبارت است از علم ظاهر و علوم آداب قالبیه. و دلیل بر این ترتیب این است که کلمه «آیه» که به معنی نشانه است مناسب با علوم عقلیه اعتقادیه است، زیرا که آن علوم نشانه‌های ذات و اسماء و صفات و دیگر معارف است و سابقه ندارد که در علوم دیگر به آیت و نشانه تعبیر شود. مثلاً در کتاب الهی در موارد کثیره، بعد از آن که اقامه برهان بر وجود مقدس صانع یا بر اسماء و صفات آن ذات مقدس یا بر وجود قیامت و کیفیات آن و عالم غیب و برزخ می‌فرماید، دنباله آن می‌فرماید: «این آیت است و یا آیات است برای متفکرین و عقلا». و دلیل بر آن که «فريضة عادله» راجع به علم اخلاق است توصیف «فريضة» است به «عادله». زیرا که خلق حسن چنانچه در علم آن مقرر است خروج از حد افراط و تفریط است. و هر يك از دو طرف افراط و تفریط مذموم و عدالت که حد وسط و تعدیل بین آن هاست مستحسن است... پس عداله بودن فريضة دلالت می‌کند بر آن که منطبق بر علم اخلاق است چنانچه فريضة بودن نیز خالی از اشعار نیست. زیرا که «فريضة» در مقابل «سنت» که راجع به قسم سوم است، آن است که عقل را راهی به ادراک آن باشد، چنانچه علم اخلاق چنین است به خلاف «سنت» که راجع به تعبد صرف است و عقول ارادراک آن عاجزند و به همین جهت گوییم که «سنت قائمه» راجع به علوم تعبدیه و آداب شرعیه است که تعبیر به سنت شده است و عقول به حسب نوع، از ادراک آن‌ها عاجز است. و طریق اثبات و فهم آن‌ها سنت است. چنانچه تعبیر و توصیف سنت به قائمه نیز مناسب با همان واجبات شرعیه است زیرا که اقامه واجبات و برپاداشتن و اقامه صلوات و زکوات و غیر آن تعبیر شایع صحیحی است. و این کلمه در آن دو علم دیگر به کار برده نمی‌شود و تعبیر از آن‌ها به آن غیر صحیح است. (خمینی، ۱۳۷۳: ۳۹۱-۳۹۲)

لازم به ذکر است که بر خلاف علوم بشری که خطا پذیرند، علوم و معارف الهیه همیشه صحیح و واقعی هستند و خداوند منبع این نور را قلوب مقدس چهارده معصوم علیهم السلام قرار داده و به کسانی که طالب علمند سفارش کرده تا فقط به آن‌ها رجوع نمایند.

امام صادق علیه السلام به یکی از صحابه خود فرمود:

إذا اردت العلم الصحيح فعندنا اهل البيت. فنحن اهل الذكر الذين قال الله عزوجل

فاسألوا اهل الذکران کنتم لا تعلمون؛^۱ (بنی هاشمی، ۱۳۷۵: ۲۲۲ به نقل از وسائل الشیعه)
 اگر علم صحیح می‌خواهی فقط نزد ما اهل بیت است. زیرا ما آن اهل الذکری هستیم که
 خداوند فرموده اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید.

بنابراین می‌توان گفت کسانی که قلوبشان سرشار از معارف اهل بیت علیهم‌السلام است از
 علمی نجات بخش برخوردار هستند؛ علمی که همچون نوری فراروی آن‌ها را روشن
 می‌سازد زیرا ریشه معارف حقه و عقاید صحیح فقط و فقط در نزد اهل بیت علیهم‌السلام است و
 معیار صحت یک عقیده خارج شدن آن از ناحیه آن‌هاست به طوری که اگر سخن یا عقیده‌ای
 با آن‌چه ایشان فرموده‌اند مطابقت نداشت، قطعاً سخن بیهوده و عقیده باطلی خواهد
 بود (همو: ۲۲۳).

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

کل ما لم یخرج من هذ البیت فهو باطل؛ (همو به نقل از وسائل الشیعه)
 هر آن‌چه از این خانه بیرون نیامده باشد باطل و ناصواب است.

(ب) توجه به راه‌های دریافت علم و آگاهی

خدای بنده پرور چه زیبا به این امر حیاتی و مهم در سعادت انسان و حفظ دستاوردهای
 ایمان اشاره فرموده که:

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾؛ (عبس: ۲۴)
 انسان باید به غذای خویش بنگرد.

و امام باقر علیه‌السلام در بیان طعام در این آیه می‌فرماید:

علمه الذی يأخذه ممن يأخذه؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۰، ح ۸)
 منظور از طعام انسان علم اوست که کسب می‌کند و باید نظر کند که از چه کسی
 فرا می‌گیرد.

امروز یکی از مهم‌ترین راهکارهای حفظ دین و ارزش‌های دینی مواظبت نسبت به
 افکار، آراء و اندیشه‌هاست که نباید از هر جا و هر کسی به دست جوانان و نوجوانان برسد
 چرا که این خود یکی از راه‌های بصیرت زدائی است. بدیهی است کتاب‌ها و مجلاتی که

انسان مطالعه می‌کند و یا سی‌دی‌ها و وسایل صوتی که به آن گوش می‌دهد و یا فیلم‌ها و تصاویری که می‌بیند، همه و همه می‌تواند در تقویت عقاید و معرفت‌های دینی و یا بالعکس تضعیف آن‌ها سهم به‌سزایی داشته باشد. انسان گاهی به نام تحقیق و از روی انگیزه‌های به ظاهر روشنفکرانه سراغ کتاب‌ها و مقالاتی می‌رود که از نظر علمی صلاحیت کافی برای تشخیص درست و نادرست آن ندارد و متأسفانه به راحتی از آن چه اعتقاد داشته دست برمی‌دارد و در آن چه بدان یقین داشته شك می‌کند و سرانجام دل و فکرش از سخنان باطل و افکار انحرافی پر می‌شود به طوری که دیگر جایی برای سخن حق در قلب و روح او باقی نمی‌ماند. و چه بسا این اتفاق در فاصله يك صبح تا غروب واقع شود. فاصله‌ای که چه بسا خواننده حدیث ذیل از کوتاهی آن به شگفت آید و از خود بپرسد چه طور ممکن است شخص، دین خود را به این آسانی و در فاصله‌ای چنین اندك از دست بدهد؟! امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

لثَمَخَصْنُ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ مَنَحِيصَ الْكُخْلِ فِي الْعَيْنِ وَإِنَّ صَاحِبَ الْعَيْنِ يَذِرِي مَتَى يَقَعُ الْكُخْلُ فِي عَيْنِهِ وَلَا يَعْلَمُ مَتَى يَخْرُجُ مِنْهَا وَكَذَلِكَ يُصْبِحُ الرَّجُلُ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَيُنْسِي. وَقَدْ خَرَجَ مِنْهَا وَيُنْسِي. عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَيُصْبِحُ وَقَدْ خَرَجَ مِنْهَا؛
(نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۶، باب ۱۲، ح ۱۲)

ای شیعه آل محمد حتما باید پاك شويد همچون سرمه که در چشم پاك می‌شود که آدمی داخل شدن سرمه را به چشمش می‌فهمد ولی نمی‌فهمد کی از چشم او بیرون می‌رود و این چنین خواهد شد که مردی صبح کند در حالی که بر جاده امامت ما است و شب می‌کند در حالی که از راه بدر شده است و شب می‌کند در حالی که بر جاده امر ما است و صبح می‌کند در حالی که گمراه شده است.

این حدیث بیان‌گر هجمه شبهات و مطالب گمراه‌کننده‌ای است که يك فرد شیعی در مدت زمان يك صبح تا شب و بالعکس می‌تواند از اطراف خود دریافت کند به طوری که او را در عقایدش متزلزل ساخته و از او انسانی بی‌دین بسازد؛ مطالبی که ابتدا فرد را نسبت به راهی که تا آن زمان در پیش گرفته و عقیده‌ای که آن را برگزیده است به شك و تردید می‌افکند و سپس او را به کفر و بی‌ایمانی می‌کشاند.

با نگاهی به پیرامون خود و انواع کتاب‌ها و مجلاتی که به آسانی در اختیار جوانان قرار می‌گیرد، شبکه‌های ماهواره‌ای که در زمان ما هر لحظه به القاء افکار نادرست و اندیشه‌های باطل با هدف گمراه نمودن جوانان مؤمن می‌پردازند، فیلم‌های مبتذل که بدون کنترل

مسئولین مسئول در دل بازارهای شلوغ با قیمتی بسیار نازل به دست جوانان می‌رسد، جان گرفتن مکاتب عرفانی باطل و فعال شدن فرقه‌های ضاله‌ای مثل بهائیت در گوشه و کنار جامعه اسلامی و بالاخره وسایل ارتباطی مثل تلفن همراه که امروزه در دست کودکان و نوجوانان به وفور یافت می‌شود و وسیله‌ای بسیار آسان برای رد و بدل کردن پیام‌ها و کلیپ‌های مبتذل و غیراخلاقی و حتی انتشار آسان شبهات است؛ ما را از هر گونه تردید نسبت به صحت این حدیث و به خصوص از نظر انطباقش با زمان خودمان دور می‌سازد زیرا مدت زمان انحراف بستگی به میزان قوت و یا ضعف بنیه ایمانی و علمی شخص دارد و اگر خیلی ضعیف باشد در مقابل يك طرز فکر به ظاهر زیبا اما در واقع فاسد نمی‌تواند مقاومت کند و به شك و تردید و سپس انکار می‌افتد.

بنابراین به جا و لازم است که نه تنها شبکه‌ها و سایت‌های شبهه‌انگیز و انحرافی اینترنتی و ماهواره‌ای توسط مسئولین مربوطه کنترل شود بلکه حوزه‌های علمیه با ورود به چنین فضاهایی و دریافت این شبهات و فراهم آوردن پاسخ‌های مناسب برای آن، به هدایت و ارشاد افراد جامعه بپردازند. از سوی دیگر خانواده‌ها نیز با آثار مخرب این شبکه‌ها آشنا شوند و پیش از ورود فرزندان‌شان به چنین فضاهای شبهه‌افکنی، آن‌ها را با سخنان اهل‌البیت علیهم‌السلام و معارف دینی آشنا سازند.

ج) پرهیز از شك و تردید

شك و تردید یکی از رهاوردهای فتنه است. بدترین آفتی که ایمان و یقین انسان را تهدید می‌کند. امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه از گروهی یاد می‌کند که با وجود تسلیم در مقابل حمله حق از بصیرت لازم برخوردار نبوده و در نتیجه به محض مواجهه با شبهات دچار شك و تردید می‌شوند:

... أو منقاداً لِحَمَلَةِ الْحَقِّ لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْنَائِهِ يَنْقَدِحُ الشُّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوَّلِ عَارِضٍ مِنْ

شبهة؛ (سیدرضی، ۱۳۸۸: ۶۶۰، حکمت ۱۴۷)

... یا گروهی که تسلیم حاملان حق می‌باشند اما ژرف‌اندیشی لازم را در شناخت حقیقت ندارند که با اولین شبهه‌ای شك و تردید در دل‌شان ریشه می‌زند.

به همین لحاظ امام علیه‌السلام در فرازی انسان را از شك و تردید نهی می‌کند:

لا ترتابوا فتشكوا ولا تشكوا فتكفروا؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۵، ۶ح)

تردید نکنید که به شك می‌افتید و به شك نیفتید که کافر می‌شوید.

ظاهراً نهی از شك کردن (لا تشكوا) در واقع به نهی از تردید و دودلی (لا ترتابوا) که در جمله اول است برمی‌گردد و منظور از شك در اینجا شك در معرفت است؛ شکی که عدم پذیرش و عدم تسلیم در مقابل آن را به دنبال دارد و می‌تواند مرتبه‌ای از کفر باشد. همین نهی می‌رساند که این تردید و دودلی در اختیار انسان است نه خارج از اختیار او و شکی است پس از روشن شدن حقیقت برای انسان. (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۵: ۴۳-۴۴) چنانچه در بیانی دیگر می‌فرمایند:

لا تجعلوا علمكم جهلا و يقينكم شكاً اذا علمتم فاعملوا و اذا تيقتم فاقدموا؛ (سیدرضی،

۱۳۸۸: ۶۹۶، حکمت ۲۷۴)

علم خود را نادانی و یقین خود را شك مپندارید، پس هرگاه دانستید عمل کنید و چون به یقین رسیدید اقدام کنید.

واضح است که چنین شکی با شکی که پیش از روشن شدن حقیقت برای شخص پیدا می‌شود و پدید آمدنش به اختیار انسان نیست تفاوت دارد. پس عامل ایجاد شك که همان تردید و دودلی ابتدایی است در اختیار انسان بوده و باید انسان مراقب باشد که لحظه‌ای، کوتاهی و غفلت می‌تواند موجب لغزش او گردیده و چه بسا به هلاکت او منجر شود. و چه هلاکتی بالاتر از این که انسان به دلیل عدم بصیرت در تلاطم فتنه‌ها نسبت به وجود امام و حجت خداوند به شك و تردید افتاده و سپس کفر و انکار برسد.

روایات مربوط به دوران غیبت یکی از مهم‌ترین مسائلی را که به خاطر آن شیعیان در بوته آزمایش قرار می‌گیرند اصل امامت دانسته‌اند. فتنه‌ها در زمان غیبت در دل شیعیان چنان اضطراب و اختلال پدید می‌آورد که افرادی که در این مسئله از ثبات و اعتقاد راسخ برخوردار نیستند دست از آن برمی‌دارند. در آستانه ظهور حتی شیعیان به خاطر طولانی شدن زمان غیبت امام زمان علیه السلام نسبت به او به شك و تردید می‌افتند و حتی زنده بودن او را مورد سوال قرار می‌دهند. بر اساس برخی روایات شك در اصل وجود امام زمان علیه السلام گریبان‌گیر مسلمانان و حتی معتقدین به آن حضرت می‌شود.

از مفضل بن عمر نقل شده که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

... والله ليغيبنَّ امامكم سنيناً من دهركم و لتمحصنَّ حتى يقال: مات، قتل، هلك، بأى

واد سلك؟ و لتدمعنّ عليه عيون المؤمنین و لتكفونّ كما تكفأ السفن فی امواج البحر فلا
 ینجوا الا من اخذ الله میثاقه و كتب فی قلبه الایمان و ائیده بروح منه...؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱،
 ۳۳۶، ح ۳)

به خدا سوگند امام شما سال‌ها از روزگارتان را غیبت خواهد کرد و شما چندان آزمایش می-
 شوید تا جایی که عده‌ای گویند او مرده؟ کشته شده؟ به هلاکت رسیده؟ و گرنه
 به کدام وادی رهسپار شده؟ و دیدگان اهل ایمان بر او خواهند گریست و شما مانند
 کشتی‌ها که در امواج دریا واژگون شوند، واژگون می‌شوید و نجات نمی‌یابد مگر کسی که
 خداوند از او پیمان گرفته و ایمان را در دلش ثبت نموده و او را به وسیله روحی از جانب
 خود یاری داده باشد.

بنابراین در مواجهه با انواع شبهات و اقسام افکار و عقاید انحرافی در زمان غیبت و به
 خصوص هنگامی که حوادثی در جامعه پدید می‌آید که در آن حق به باطل تشبیه و باطل به
 حق شباهت پیدا می‌کند؛ آن‌چه می‌تواند انسان را از سقوط در فتنه‌ها حفظ کند برخوردار از
 بصیرت و ایستادگی بر حقایق ایمان است. و لازمه بصیرت پرهیز از شك و تردید نسبت به
 معارفی است که شخص به دست آورده است.

د) اجتناب از ورود به صحنه‌های فتنه

یکی از رهنمودهایی که برای در امان ماندن از فتنه‌ها از لسان بزرگان دین بیان شده، عدم
 همراهی با فتنه‌انگیزان و همراهان آنان در جامعه است؛ حال چه این فتنه‌ها همان روی
 گردانی مردم از اعتقادات و باورهای دینی و ارتکاب گناه و فساد باشد و چه فتنه‌های اجتماعی
 سیاسی باشد. در هر حال همراه نشدن با مردم گمراه و گروه‌هایی که به فتنه دامن می‌زنند
 موجب سلامت انسان از آسیب این فتنه‌ها می‌گردد.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

سلامة الرجل من الفتنة ان یلزم بیته؛ (انصاری قمی، ۱۳۸۸: ۳۴۵، ح ۲۸۷۲)
 کسی که در خانه خویش بماند از فتنه‌ها (ی‌زمانه) سالم بماند.

بدیهی است در فتنه‌های اجتماعی و سیاسی عدم ورود انسان مؤمن به اجتماعاتی که از
 سوی سران فتنه برگزار می‌شود، اهمیت بیشتری داشته و در سلامت انسان از آسیب‌های ناشی
 از فتنه نقش بارزتری دارد.

امام جواد علیّه‌السلام می‌فرماید:

... و قبل ذلك فتنه شَرِّ عِيسَى الرَّجُلِ مُؤْمِنًا وَ يَصْبِحُ كَافِرًا وَ يَصْبِحُ مُؤْمِنًا وَ يَمْسِي كَافِرًا. فَنِ ادْرِكْ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لِيَكُنْ مِنْ أَحْلَاسِ بَيْتِهِ؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۶۳)

قبل از ظهور فتنه‌های سختی است به طوری که مردی شب مؤمن است ولی صبح کافر می‌شود و دیگری صبح مؤمن است و شب کافر می‌شود. پس هر کس که این زمان را درک کرد باید تقوا پیشه کند و گلیم خانه‌اش باشد.

تعبیر گلیم خانه‌اش باشد بر شدت نهی امام علیه السلام از ورود به صحنه‌های آشوب و فتنه در جامعه دارد؛ به طوری که آن را لازمه برخورداری از تقوا و خداترسی دانسته و با صیغه امر از وظایف انسان مؤمن و معتقد قرار داده است. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

اِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَحْلَاسَ بَيْتِكُمْ حَتَّى تَظْهَرَ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ ذَوَالْغَيْبَةِ الشَّرِيدِ الطَّرِيدِ؛ (همو)

هرگاه چنین زمانی فرا رسد گلیم خانه‌هایتان باشید تا این که آن فرزندان پاک غایب و آواره بیایند.

اهمیت اجتناب از ورود به آشوب‌ها و تجمعات سیاسی اجتماعی فتنه‌انگیزان تا بدانجاست که امام صادق علیه السلام شرط همراهی با این‌گونه وقایع را اطمینان از انتساب این اجتماعات به اهل بیت علیهم السلام دانسته است. ابوبکر خضرمی از صحابه امام صادق علیه السلام می‌گوید:

دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبَانُ عَلِيُّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ ذَلِكَ حِينَ ظَهَرَتِ الرَّيَاثُ السُّودُ بِخُرَّاسَانَ فَقُلْنَا مَا تَرَى فَقَالَ اجْلِسُوا فِي بُيُوتِكُمْ فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسِّلَاحِ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۷)

من و ابان بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم و آن، زمانی بود که پرچم‌های سیاه در خراسان ظاهر شده بود. به امام گفتیم چه نظری دارید؟ ایشان فرمودند: در خانه‌هایتان بنشینید. پس هرگاه دیدید ما بر حول مردی اجتماع کرده‌ایم با سلاح به ما بیونید.

حال با توجه به این حدیث و نیز توقیع شریفی که از جانب امام زمان علیه السلام صادر شده که فرمودند:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَايَاتِ حَدِيثِنَا فَانْهَمُوا حِجَّتِي عَلَيْكُمْ. (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۹۰)

نقش بی‌بدیل ولایت فقیه در ارشاد و راهنمایی مردم و رهاندن آن‌ها از آشوب‌ها و فتنه -

های اجتماعی در زمان غیبت کاملاً روشن می‌گردد. به طوری که بر انسان مؤمن، فرض است که ملتزم به این اصل ناب باشد و خود را با پیروی و تسلیم در برابر فرموده‌ها و خواسته‌های ولی فقیه جامع شرایط از ورطه فتنه‌ها برهاند و تنها از تجمعات و وقایعی در جامعه حمایت کند که مورد تایید ولی فقیه و یا به فرموده ایشان صورت گیرد. در این صورت حتی اگر از بصیرت هم برخوردار نباشد با استفاده از روشنگری‌های ولی فقیه به بصیرت می‌رسد و می‌تواند با تشخیص حق از باطل و گرویدن به اهل حق، خود را از سقوط در فتنه‌ها برهاند. چرا که این جایگاه از قوت و قدرتی بی‌بدیل در خنثی کردن فتنه‌ها و دفع کید دشمنان دارد و اگر چنین نبود هرگز امام زمان علیه السلام آن را مرجع مؤمنین در هنگام بروز فتنه‌ها و حوادث اجتماعی قرار نمی‌دادند.

نتیجه‌گیری

فتنه یکی از سنت‌های حتمی خداوند در زندگی بشر است که برای مشخص شدن میزان ثبات و استقامت انسان در مسیری که از نظر دینی و اعتقادی انتخاب کرده روی می‌دهد و حاصل آن می‌تواند به تغییر مسیر و یا ثبات هر چه بیشتر او در راهی که انتخاب کرده بینجامد. دوران غیبت دوران آزمایش شیعیان است دورانی که مؤمنین به خاطر محروم بودن از امام معصومی که مرجع آنان در مشکلات دینی و اجتماعی است، از شرایط بسیار دشواری برخوردارند و دشمنان دین با استفاده از شرایط جامعه به فتنه‌انگیزی و ایجاد تفرقه و اغفال مؤمنین می‌پردازند. در این شرایط، ثبات بر اعتقادات و باورهای دینی و حفظ ارزش‌های الهی بسیار دشوار است. بر همین اساس بزرگان دین نه تنها پیروان خود را از این فتنه‌ها و آثار زیان‌بار آن آگاه کردند بلکه مشفقانه راه‌های نجات و مصونیت از آن را نیز بیان فرمودند. مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهکار برای نجات از فتنه‌های آخرالزمان بنابر آیات و روایات دو چیز است؛ یکی تمسک به دین و دیگری بصیرت.

ثبات و استقامت بر سر باورها و اعتقادات دینی، تمسک به قرآن به عنوان حبل نجات بخش الهی که از سوی خداوند به خاطر مشخص کردن حق از باطل، فرقان نام گرفته، همراهی و التزام به اهل بیت پیامبر علیهم السلام که معیار حق و رکن رکین هدایتند و نیز معرفت امام عصر علیه السلام و شناخت ابعاد وجودی او که تسلیم و سرسپردگی نسبت به او امری از لوازم این معرفت است و نیز خالص کردن درون و برون برای خدا و دعا به درگاه او برای تحقق ظهور،

طلب معرفت و ثبات قدم در دین؛ از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمسک به دین و در نتیجه مصون ماندن از فتنه‌هاست.

برخورداری از بصیرت دینی و بیداری و هوشیاری هنگام برخورد با شبهات دینی و اعتقادی، با مجهز بودن به ابزار علم و معرفتی که از بیوت و خزائن علم الهی یعنی اهل بیت پیامبر ﷺ مأخوذ شده باشد و پرهیز از شک و تردید نسبت به این معارف، به طور حتم سلامت فرد را از سقوط در فتنه‌ها به همراه دارد. همان‌طور که عدم ورود به اجتماعات فتنه‌انگیزان و همراه نشدن با سران فتنه در آشوب‌های اجتماعی و بالاخره التزام به اصل ولایت فقیه، خود گونه‌ای از بصیرت است که می‌تواند به طور قطع فرد را از شرور فتنه‌های آخرالزمان مصون بدارد.

منابع

- ابن عربی، ابو عبدالله محی‌الدین محمد، *تفسیر ابن عربی*، اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، سوم، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق
- انصاری قمی، مهدی، *غرر الفصاحه*، اول، مؤسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام، قم، ۱۳۸۸ش
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم، *شرح نهج البلاغه*، مترجم: قربان علی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی، اول، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۵ش
- بنی هاشمی، سید محمد، *معرفت امام عصر*، اول، انتشارات نیک معارف، تهران، ۱۳۷۵ش
- جوادی آملی، عبدالله، *قرآن در قرآن*، ششم، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶ش
- خمینی، روح الله، *اربعین حدیث*، پنجم، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۳ش
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات غریب القرآن*، اول، دارالعلم دارالشماییه، دمشق، ۱۴۱۲ق
- سلیمان، کامل، *یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی*، مترجم: لطیف راشدی، اول، ارمغان طوبی، تهران، ۱۳۸۶ش
- سید بن طاووس، *الملاحم والفتن*، اول، نشر صاحب الامر، اصفهان، ۱۴۱۶ق
- سید رضی، *نهج البلاغه*، مترجم: محمد دشتی، دوم، انتشارات بخشایش، قم، ۱۳۸۸ش
- صدوق، علی بن محمد، *کمال الدین و تمام النعمه*، مترجم: علی اکبر غفاری، اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق
- طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ش
- طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، سوم، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، مترجم: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، اول، موسسه المعارف الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۱ق
- قاسمی، محمد جلال الدین، *محاسن التأویل*، اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ق
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، ششم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش

- قیّم، عبدالنبی، فرهنگ معاصر عربی فارسی، پنجم، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۵ ش
- کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، اول، کتابفروشی محمدحسن علی، تهران، ۱۳۳۶ ق
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مترجم: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، اول، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، اول، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیة، مترجم: علی اکبر غفاری، اول، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق
- نیشابوری، نظام الدین محمد، غرایب القرآن و رغایب الفرقان، اول، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۶ ق

